

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: جهانگیر محبی

گزینش و ترجمه: رضا نفاعی

۱۸ جنوری ۲۰۱۲



دستاورد های انقلاب کوبا به رهبری فیدل کاسترو فراموستان شده، قلم در دست دشمن است

پس از انتشار مقاله "لیبیا، با نام رمز دموکراسی، کشوری آباد را ویران کردند" یکی از خوانندگان محترم، با نام صبا عادل، به قول معروف "کامنتی" برای من فرستاد که آن را بی کم و کاست، می خوانید:

با درود فراوان. نمی دانم با این ارقام و شرح اوضاع لیبیا یقینا می خواهید بگوئید که دوران قذافی زمان بالندگی و پیشرفت لیبیا بوده؟ واقعا اینطور فکر می کنید؟ عناد و دشمنی با غرب و غرب ستیزی و متوسل شدن به تحلیل های احزاب کمونیستی با رویکردهای دهه های ۶۰ و ۷۰ یک ذهن گرانی مطلق و واپسگرانی می باشد. زمانی حزب

توده ایران با چاپ کتاب های کم حجمی دست به اشاعه طرز تفکری می زد به نام راه رشد غیر سرمایه داری. نویسنده اولیانفسکی و عجیب پافشاری می کرد و مطمئن بود. این آمار را نگاه دارید. نگاهی به کوبا کنید. آنجا که خبری از حمله ناتو نیست. واقعا تبلیغ آنچه که شما به نام کمونیست، البته داخل پرانتز که به این شکل و شیوه در هیچ کدام از آثار کلاسیک دیده نشده می کنید، فقط منتهی به یک کشور عقب افتاده استبداد زده و منزوی که فقط ریشه در غرب ستیزی دارد. نگاهی به تحلیل های خود بیندازید. بی دلیل نیست که دقیقا نقطه نظرات جمهوری اسلامی را بیان می کند. اگر واقعا معتقد به عدالت اجتماعی و سوسیالیسم هستید نگاهی به تحلیل ها و موقعیت احزاب سوسیال دمکرات بیندازید و ببینید کشورهایی که در چهار چوب فکری این احزاب حرکت می کنند چه پیشرفت های شگرفی در جهان دارند و گل سر سبد جامعه جهانی هستند. سویدن و ناروی و فنلاند نمونه های خوبی برای این طرز تفکر هستند. ولی آنچه که شما در قالب فکری "پی کا دی" بیان می کنید انسان را در جبهه صدام و قذافی می نشانند.

من توصیه خواننده محترم را که نوشته است "نگاهی به کوبا کنید آنجا که خبری از حمله ناتو نیست" به کار بستم و نگاهی به کوبا کردم. حاصل آن این است که می خوانید.

کوبا در محاصره بازرگانی، اقتصادی و مالی امریکا

از ویکی پدیا

در سال ۱۹۵۹، انقلاب کوبا به رهبری فیدل کاسترو، به پیروزی رسید و باتیستا، دیکتاتور کوبا همراه با تمام همکارانش، یکجا، به زباله دان تاریخ افکنده شدند. پیروزی جوانان کوبائی بر دیکتاتور دست نشانده، آنهم درست در چند کیومتری خاک امپریالیسم، ضربه تکان دهنده ای بود، شوک بود، برای ادعا و آبروی ابر قدرتی که امریکای لاتین را در واقع ملک مطلق خود می دانست. امریکا در صدد برگرداندن چرخ تاریخ به عقب بر آمد.

بخش نخست

روز ۱۷ اپریل ۱۹۶۱ حمله نظامی امریکا به کوبا آغاز شد. عاملان حمله عبارت بودند از سیا و هواداران فراری باتیستا.

شورای امنیت سازمان ملل به بحث درباره حقوقی بودن این حمله پرداخت و کوبا خواستار محکوم ساختن امریکا به عنوان متجاوز شد. ولی امریکا با استفاده از حق وتوی خود مانع موفقیت درخواست کوبا گردید.

ویکی پدیا می نویسد: " این شکست، فقط یک شکست نظامی نبود، از آن مهم تر آبروری سیاسی برای امریکا بود. انتقادات شدید بین المللی و داخلی از سوئی سبب از بین رفتن اعتماد به دولت جان اف کندی شد که تازه ۹۰ روز از روی کار آمدنش گذشته بود و از سوی دیگر سبب تقویت کاسترو و انقلاب کوبا گردید."

نگاهی به گذشته

" سیاست و اقتصاد کوبا تا انقلاب کوبا به شدت زیر نفوذ امریکا قرار داشت. مافیا هم در هاوانا پایگاه های سود آوری داشت (از منابعی چون: کازینو ها، روسپی خانه ها و فروش مواد مخدر. م) ... پس از انقلاب ۱۹۵۹، کوبا دست به اصلاحات عمیق زد (از جمله سلب مالکیت از زمینداران بزرگ، و پرداخت بهای زمین به آنها که شامل

مؤسسات بزرگ کشاورزی امریکا در کوبا مانند United Fruit Company نیز می شد). از سال ۱۸۹۸ که اسپانیا از امریکا شکست خورد و مجبور شد مستعمره خود، کوبا را، به امریکا واگذار کند، تا سال ۱۹۵۹ (انقلاب کوبا) امریکا خود را فعال ما پشاه در کوبا می دانست و این کشور را از هر لحاظ وابسته به خود تصور می کرد.

دخالته اقتصادی امریکا در کوبا

نخستین گام امریکا علیه کوبای بعد از انقلاب منع فروش نفت به کوبا بود. تصور امریکا این بود که چون تولید برق در کوبا مطلقاً متکی بر نفت است قطع نفت موجب قطع برق خواهد شد و به شکست انقلاب خواهد انجامید. شوروی به کمک کوبا آمد و نفت مورد نیاز را در اختیار دولت انقلابی گذاشت. امریکا به شرکت های امریکائی تصفیه نفت در کوبا فرمان داد که از تصفیه نفت شوروی خود داری کنند. طبق قراردادی که کوبا با این مؤسسات منعقد ساخته بود، انحصار تصفیه نفت به شرطی به آنها داده شده بود که نفت را صرفنظر از این که از کدام کشور خریداری شده تصفیه کنند. ولی این شرکت های امریکائی با سرپیچی از تصفیه نفت خریداری شده از شوروی، قرارداد را نقض کردند و دولت کوبا مجبور شد اداره این تصفیه خانه ها را زیر نظر خود قرار دهد.

امریکا نفوذ خود را در کوبا از دست می دهد

دولت امریکا از تمام امکانات برای وارد آوردن فشار سیاسی به کوبا استفاده کرد(از جمله منع خرید شکر از کوبا و تحریم فروش قطعات یدکی به آن و غیره) و سرانجام دست به تحریم کامل اقتصادی آن کشور زد، اما همبستگی بین المللی انقلابیون شرق و غرب از اسپانیا گرفته تا کشورهای سوسیالیستی تمام این فشار ها را بی اثر ساخت و نقش بر آب کرد. آنگاه امریکا روی به دخالت نظامی علیه کوبا آورد. (یعنی بازگشت به سیاست استعماری کلاسیک م.)

عملیات نظامی

اما اجرای سیاست زبان تویها که قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ / ۱۹۱۸) به کار گرفته می شد و مؤثر بود، دیگر ممکن نبود، زیرا به دلیل " دخالت در سیاست یک کشور دیگر " با اعتراض بین المللی روبرو می شد و این اعتراض عواقب پیش بینی ناپذیر ژئوپلیتیک ، به ویژه در کشورهای جهان سوم به بار می آورد. دولت آیزنهاور، رئیس جمهور وقت امریکا، به سازمان سیا دستور داد طبق نمونه های قبلی عملیات PBSUCCESS در گواتمالا و عملیات آجاکس در ایران (کودتای بیست و هشت مرداد م) مقدمات اجرای کودتا در کوبا را فراهم آورد. نقشه این بود که نخست فراریان کوبائی تقاضای کمک کنند و در پی آن حمله نظامی صورت گیرد. این صحنه سازی به انتخاب نیکسون به ریاست جمهوری امریکا نیز کمک می کرد. ولی تدارک این صحنه سازی که گویا عامل این عملیات فقط خود کوبائی های فراری هستند، به موقع تمام نشد و در نتیجه ریچارد نیکسون هم نتوانست جانشین آیزنهاور گردد و با تفاوتی اندک انتخابات را باخت. روز ۱۷ فبروری ۱۹۶۱ ، کنیدی، رئیس جمهور تازه امریکا، از مشاوران خود پرسید که آیا می توان "سلاحهائی که کوبا دریافت می دارد به عنوان بهانه برای ساقط کردن کاسترو به کار بست" ؟ "آیا نمی توان ادعا کرد که هدف اصلی حمله از بین بردن بمب افکن های مدرن و راکت هائی هستند که امنیت امریکا را تهدید می کنند؟" . ولی این ادعا در سال ۱۹۶۱ بی

پایه بود، زیرا سلاح های روسی که کوبا در آن زمان در اختیار داشت اندک بود و نیروی هوایی کوبا را بمب افکن های باز مانده از دوران باتیستا تشکیل می دادند، که همه ساخت امریکا بودند.

تنها بهانه ای که از لحاظ بین المللی می توانست عملیات نظامی را توجیه کند این بود که عده ای از کوبائی های مقیم کوبا از امریکا تقاضای کمک کرده اند. چنین زمینه ای راه را برای حمله نظامی امریکا به کوبا باز می کرد.

تدارک حمله نظامی

سیا با تکیه بر موفقیت عملیات خود در سال ۱۹۵۳ در ایران و در ۱۹۴۵ در گواتمالا، که با تدارکی اندک دولت هائی را که با انتخابات آزاد روی کار آمده بودند، ساقط کرد، دست به کار شد. از سال ۱۹۶۰ در گواتمالا به "کوبائی های تبعیدی" آموزش هائی برای عملیات خرابکارانه داد و ۴۰ نفر از آنان را مخفیانه در خاک کوبا پیاده کرد تا آنها نخست دست به تشکیل گروه های مقاومت بزنند. ولی پس از ۴۸ ساعت دیگر خبری از جاسوسان گروه عملیات ۴۰ نبود.

سیا با توجه به نفاق زدگی احزاب مخالف داخلی پی برد که ایجاد انقلاب از داخل عملا ممکن نیست و به آموزش چند صد کوبائی مقیم خارج روی آورد (که بعدا با نام بریگاد ۲۵۰۶ شناخته شدند) مأموریت آنها حمله به کوبا با حمایت امریکا بود و نام سری عملیات آنها عملیات زیاتا .

حمله به کوبا ، تدارک نقشه

افراد این گروه عبارت بودند از اعضای سازمان های اطلاعاتی دیکتاتور سابق باتیستا و فرزندان زمینداران بزرگ ، که تنها وظیفه آنها حفظ قطعه زمین مسطحی بود که برای فرود آمدن هواپیما در نظر گرفته شده بود. آنها باید این فرودگاه موقت را تا فرود آمدن افراد "دولت تبعیدیان" کوبا از میامی حفظ کنند. قرار بر این بود که این افراد به محض پیاده شدن در خاک کوبا با دستگاههای مخابراتی خود از امریکا تقاضای کمک نظامی کنند. به نظر می رسید، برای انجام این عملیات، بهترین محل خلیج خوک هاست، زیرا :

– در منطقه باتلاقی Cien de Zapata قرار دارد که عملیات نظامی برای ارتش انقلابی کوبا را دشوار می سازد.

– در دامنه کوههای Esvambray قرار دارد که تا اواسط سالهای دهه ۶۰ گروههای ضد انقلابی عملیات خود را علیه حکومت انقلابی از آنجا انجام می دادند.

– منطقه ای بود کم جمعیت و احتمال نمی رفت که اهل محل دست به مقاومت محلی بزنند.

نقشه ای که سیا طرح کرده بود متکی بر گزارش هائی بود که کسانی از داخل کوبا فرستاده بودند، کسانی که تمام امیدشان به دخالت نظامی امریکا بود و از گزارش ها چنین بر می آمد که گویا فضای داخلی در کوبا کاملا ضد انقلابی است. ...

روز ۱۲ اپریل ۱۹۶۱، پنج روز قبل از حمله، پرزیدنت کنیدی اعلام کرد که " تحت هیچ شرایطی نیروهای نظامی امریکا در کوبا دخالت نخواهند کرد" و دولت امریکا " نهایت کوشش را خواهد کرد که هیچ یک از اتباع امریکا در عملیاتی که در کوبا رخ می دهد سهمی نداشته باشند".

کنیدی، درست دو روز بعد از این قول های مؤکد و صریح، در ۱۴ اپریل به سازمان سیا فرمان داد نقشه خود را پیاده کند...

سیر وقایع

روز ۱۵ اپریل، هواپیماهای ب ۲۶ آمریکا، برای تدارک زمینه، سه فرودگاه کوبا را بمباران کردند. آمریکا هواپیماهای خود را با رنگ و نشان هواپیماهای کوبائی آراسته بودند که به نظر آید نیروی هوائی کوبا خود دست به عملیات علیه دولت انقلابی زده است. نیروی ضد هوائی کوبا پنج هواپیمای امریکائی را سرنگون کرد. روز ۱۷ اپریل ۱۵۰۰ " کوبائی های تبعیدی" از بریگاد ۲۵۰۶ ، تحت فرمان دو تن از اعضای سیا و با حمایت نیروی دریائی آمریکا که آنها را از میامی به کوبا آورد، حمله خود را آغاز کردند. نیروی هوائی کوبا که خبر داشت دو کشتی امریکائی حامل مهمات و اسلحه قرار است در کجا پهلو بگیرند، هر دو کشتی را بمباران و غرق کرد.

روز ۱۸ و ۱۹ اپریل هواپیماهای ب ۵۲ امریکائی به کمک حمله کنندگان آمدند و ۸ بمب ناپالم نیز بر کوبا افکندند. نیروی ضد هوائی کوبا دو هواپیمای دیگر را نیز سرنگون ساخت و سرنشینان هواپیما ها را که از اتباع آمریکا و از خلبان های Air National Gard - نیروی هوائی آمریکا بودند به جهانیان معرفی کرد. پس از سه روز نیروی مهاجم شکست خورد. کوبا اعلام کرد که ۱۰۰۰ مهاجم را اسیر کرده و ۹۰ نفر از مهاجمان نیز کشته شده اند و اسیران را در یک دادگاه علنی محاکمه کرد. بعدا کوبا اسیران مهاجم را در مقابل دریافت دارو، مواد غذایی و ماشین آلات کشاورزی که سخت به آنها نیاز داشت، به امریکا تحویل داد. ناگفته نماند که هزینه این معاوضه را امریکا پرداخت بلکه بستگان اسیران خود مجبور به گرد آوری پول و پرداخت هزینه های ضروری شدند.

بخش دوم -

تحریم اقتصادی کوبا

امریکا روز ۷ فیروری ۱۹۶۲ بازرگانی و داشتن مناسبات اقتصادی و مالی با کوبا را تحریم کرد. در سال ۱۹۹۲ تحریم به صورت قانون در آمد و تحکیم شد. و نام این قانون را Cuban Democracy Act یعنی قانون دموکراسی برای کوبا گذاشتند. در سال ۱۹۹۶ کنگره امریکا Helms- Burton Act قانون هلمز - برتون را به تصویب رسانید که امکانات اتباع امریکا را برای داد و ستد با کوبا محدود می ساخت. طبق این قانون حتی مؤسسات غیر امریکائی هم اجازه ندارند با کوبا داد و ستد داشته باشند و اگر با کوبا خرید و فروش کردند اجازه داد و ستد با امریکا به آنها داده نخواهد شد. دلیل آن هم این است که این مؤسسات چیزهائی را خرید و فروش می کنند که اموال به سرقت رفته امریکاست و خرید و فروش مال دزدی ممنوع است. طبق این قانون تا زمانی که دولت کوبا و جانشین آن مطالبات اساسی از آن دولت را تأمین نکند هر نوع حمایت خصوصی یا عمومی از رژیم هاوانا ممنوع است.

این قانون به شدت مورد اعتراض کانادا قرار گرفت که آن را به تمسخر گرفت و به عنوان معامله به مثل قانون Godfrey- Milliken را به تصویب رسانید. این قانون از دولت امریکا طلب می کرد که کلیه اموال هواداران انگلیس را که پس از پیروزی جنبش استقلال امریکا مصادره شده بود به صاحبان اصلی آنها پس بدهد. توضیح آن که در آن زمان امریکای شمالی خود مستعمره انگلستان بود و امریکای شمالی انگلیس - British

Nordamerika نام داشت. (البته لایحه قانونی کانادا هم هیچ وقت به اجراء گذاشته نشد). پارلمان اروپا اعلام کرد که این قانون، خود غیر قانونی است و برای اتباع اروپا لازم الاجراء نیست. اتحادیه اروپا این قانون را که برای دیگر کشورها، قانون خرید و فروش وضع می کند نپذیرفت و آن را ناقض اعتبار دیگر کشورها دانست، سرانجام این کار به مصالحه انجامید. پس از سرنگون ساختن هواپیماهای Brothers to the Rescue (سازمانی متعلق به کوبائیان تبعیدی در امریکا - میامی) در سال ۱۹۹۶ اکثریتی از نمایندگان دو حزب جمهوری خواه و دموکرات امریکا، قانون هلمز- برتون را تصویب کرد. فصل سوم این قانون تصریح می کند که حتی مؤسسات غیر امریکائی هم که "آگاهانه اموال موجود در کوبا را که متعلق به اتباع امریکاست و بدون پرداخت خسارت مصادره شده است، خرید و فروش کند با پیگرد قانونی روبرو خواهد شد و ممکن است ورود مدیریت این نوع مؤسسات به امریکا ممنوع گردد. افزون بر این، مؤسسات غیر امریکائی نیز می توانند مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند. مثلا کشتی هائی که به یک بندر کوبائی وارد شوند تا ۶ ماه اجازه ورود به بنادر امریکا را ندارند. پرزیدنت کلینتون قانون مذکور را تشدید کرد، به این صورت که آن مؤسساتی که در کشورهای دیگر فعالند اما از "دختر شرکت" های امریکائی هستند یعنی مؤسسات یا شعباتی هستند که در مالکیت مؤسسات بزرگ امریکائی قرار دارند، نیز اجازه داد و ستد با کوبا را ندارند. ولی فروش برخی از تولیدات به کوبا بلا مانع است.

هنوز هم (نومبر ۲۰۰۸) این تحریم اقتصادی که طولانی ترین تحریم اقتصادی در تاریخ معاصر است ادامه دارد.

ت

در دسمبر ۱۸۹۸ اسپانیا در پی شکست در جنگ اسپانیا با امریکا کنترل کوبا را به امریکا واگذار کرد. ۲۸ سال بعد در سال ۱۹۲۶ - ۶۰ درصد از صنایع تولید شکر کوبا متعلق به امریکا بود و ۹۵ درصد از تولیدات شکر کوبا به بازار امریکا حمل می شد.

روز اول جنوری ۱۹۵۹ با پیروزی انقلاب کوبا، باتیستا دیکتاتور کوبا، ساقط گشت و فیدل کاسترو زمام قدرت را در دست گرفت.

در ۸ جولای ۱۹۶۳ امریکا سرمایه های کوبا را در امریکا توقیف کرد و دیگر محدودیت ها نیز تثبیت گشت. امریکا سفر اتباع خود به کوبا را ممنوع کرده است، البته آنها می توانند غیر مستقیم از طریق مکزیک، باهاما یا کانادا به کوبا سفر کنند و مقامات کوبائی هم در پاسپورت آنها مهر ورود نمی زنند ولی اگر مقامات امریکائی به سفر آنها پی ببرند، مسافران را مورد تعقیب قضائی و مجازات قرار خواهند داد. در ۲۶ اکتوبر ۲۰۰۶ در امریکا اداره تازه ای برای تعقیب کسانی که مخفیانه به کوبا سفر کنند تأسیس شد. اگر افرادی که به کوبا سفر کرده اند شناخته شوند به پرداخت چند هزار دلار جریمه و تا ۱۰ سال زندان محکوم می گردند.

باراک اوباما روز ۱۱ مارچ ۲۰۰۹، هفت هفته پس از گرفتن زمام کار در دست، قانونی را به تصویب کنگره رساند که طبق آن کوبائی های تابع امریکا اجازه یافتند سالی یک بار برای دیدار اقوام خود به کوبا سفر کنند و پول بیشتری برای آنها حواله کنند. برای صدور تولیدات کشاورزی و دارو نیز تسهیلاتی در نظر گرفته شد.

در ۱۳ اکتوبر ۲۰۰۹ محدودیت سفر برای امریکائیان کوبائی تبار و ارسال پول از سوی آنها برای بستگانشان به کلی لغو شد. سناتور ریچارد لوگار در ماه فبروری اعلام کرد که تحریم اقتصادی شکست خورده است. امریکا باید سیاستی را که تا امروز در برابر کوبا داشته مورد تجدید نظر قرار دهد. تحریم اقتصادی که ۴۷ سال از عمر آن می گذرد به اهداف خود نرسیده سیاستی شکست خورده است.

تأثیرات تحریم

بررسی تأثیرات تحریم بر اقتصاد کوبا دشوار است. نخست آن که کوبا مجبور شد مجموعه اقتصاد خارجی خود را که بر پایه صادرات به امریکا استوار بود از بنیاد تغییر دهد که خود این کار هزینه زیادی را به کوبا تحمیل کرد. افزون بر این قطع مبادلات فنی، افزایش هزینه حمل و نقل در بازرگانی خارجی، کاهش فروش تولیدات در بازار بین المللی که حاصل آن کاهش تولید در داخل بود و همچنین محدودیت استفاده از اعتبارات و برنامه های بین المللی - مثلا از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی - افزایش هزینه های نظامی برای دفاع از کوبا در برابر خطرات نظامی تازه به وجود آمده، هزینه زیادی را به کوبا تحمیل کرد.

این مخارج که در سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار بر آورد شده بود تا سال ۱۹۹۵ به ۴۵ میلیارد دلار افزایش یافت. و در جون ۱۹۹۷ به ۶۰ میلیارد دلار بالغ گشت. فقط خسارات ناشی از قانون هلمز - برتون به سالی یک میلیارد دلار تخمین زده شده است.

طبق محاسبات دولت کوبا در سال ۲۰۰۶، خساراتی که در اثر تحریم اقتصادی (تا آن سال - م) به کوبا وارد شده به ۸۹ میلیارد دلار بالغ گشته است.

تأثیرات سیاسی

تأثیرات سیاسی تحریم چند سویه است و باید آن را در سطوح گوناگون مورد پژوهش قرار داد. این تحریم نه تنها مناسبات امریکا و کوبا را تحت تأثیر قرار داد بلکه بر مناسبات هم پیمانهای دو کشور نیز تأثیر گذاشت. به تأثیر این تحریم بر لطمه ای که به حیثیت امریکا وارد آورد نیز نباید کم بها داد. در دوران جنگ سرد تقریباً تمام همپیمان های امریکا از این تحریم حمایت کردند. با پایان تقابل شرق و غرب و پیدایش آرامش پس از آن تقابل انتظار می رفت که تحریم نیز پایان یابد. ولی خلاف انتظار جامعه بین المللی این طور نشد. جامعه جهانی تحریم را بازمانده از دوران جنگ سرد می دانست که امروز دیگر غیر عادلانه و کهنه به نظر می رسد. ولی خلاف نظر مجمع عمومی سازمان ملل نه تنها لغو نگردید بلکه تشدید هم شد. و امروز، حتی دیگر کشورهایی هم که تحریم را رعایت نکنند مورد تنبیه امریکا قرار خواهند گرفت.

دستاوردهای کوبا

آموزش در کوبا رایگان است. آموزش ابتدائی ۹ ساله اجباری است. نظام آموزشی کوبا از بهترین نظام های آموزشی امریکای لاتین محسوب می گردد. در سال ۲۰۰۱ در آزمون یونسکو از شاگردان کلاسهای چهارم و پنجم امریکای لاتین، دانش آموزان کوبائی با فاصله زیاد بهترین نتایج را ارائه دادند. صد درصد کودکان کوبائی به دبستان راه می یابند، بیسوادی در کوبا به صفر رسیده است. به اساس فهرست یونسکو UNESCO-Education for All Development Index کوبا در ردیف پیشرفته ترین کشورهای جهان قرار دارد و اهالی کشور از آموزشی خوب برخوردار گشته اند. کوبا بسیاری از آموزگاران خود را برای کمک به ایجاد نظام آموزشی کار آمد به دیگر کشورهای امریکای لاتین اعزام می دارد و در مقابل از ونزوئلا نفت با قیمت مناسب دریافت می دارد. آموزش دانشگاهی در کوبا رایگان است، ولی دانشجویان متعهد می گردند پس از پایان تحصیل سه سال به انجام خدمات اجتماعی بپردازند. تعداد نسبی دانشجویان زن در کوبا از تمام کشورهای امریکای لاتین بیشتر است.

دانشجویان کوبائی در عرصه های ریاضی، علوم طبیعی و زبان از دانشجویان دیگر کشورهای امریکای لاتین بهترند. بخشی از آموزش دانش آموزان و دانشجویان کوبائی این است که به طور منظم به مدارس شبانه روزی فرستاده می شوند تا در کنار آموزش در مزارع نیز کار کنند.

نظام بهداشتی

خدمات پزشکی در کوبا برای تمام شهروندان رایگان است. هر ۱۶۳ شهروند کوبائی یک پزشک دارند. هر مجموعه مسکونی یک پزشک خانوادگی دارد. پزشکان خانوادگی در ساختمانهای زندگی می کنند که در تمام کشور طبق نقشه واحدی بنا شده اند. محل کار و زندگی پزشکان در یک ساختمان قرار دارد و این به معنی آنست که پزشک در ۲۴ ساعت برای بیماران قابل دسترسی است. میزان مرگ و میر نوزادان بسیار پایین است و میزان طول عمر در تمام قاره امریکا در مرتبه اول قرار دارد. در سال ۲۰۱۰ مرگ و میر نوزادان به رکود تازه ای رسید و به ۴،۵ در هزار نوزاد کاهش یافت. کوبا ۶،۳ درصد از درآمد ناخالص ملی خود را صرف بهداشت و خدمات اجتماعی می کند.

گرچه کوبا خود یک کشور رشد یابنده است ولی از همان سالهای آغازین، کمک به کشورهای افریقا، امریکای لاتین و آسیا، در سه عرصه نظامی، پزشکی و آموزشی، به بخشی از سیاست رسمی و عملی دولت تبدیل شد. تعداد افرادی که کوبا برای خدمات پزشکی به کشورهای جهان اعزام می دارد از تعداد افرادی که *World Health Organization (WHO)* سازمان جهانی بهداشت، وابسته به سازمان ملل، برای خدمات پزشکی به کشورهای جهان می فرستد، بیشتر است و از این جهت کوبا نه تنها از تمام کشورهای جهان، بدون استثناء، بلکه از سازمان جهانی بهداشت نیز جلو تر است. پزشکان و پرستاران کوبائی در کشورهای گوناگونی از جمله در هائیتی، ونزوئلا و بولیوی در امریکای مرکزی و به عنوان مثال پس از وقوع زلزله در پاکستان، مشغول به خدمت اند.

قربانیان فاجعه چرنوبیل در کوبا از خدمات رایگان برخوردارند. تا ماه مه ۲۰۰۹ بیست و چهار هزار کودک اوکرائینی مورد مداوا قرار گرفته اند. طبق محاسبات صورت گرفته فقط هزینه داروئی این مداوا به ۳۵۰ میلیون دلار تخمین زده شده است.

پس از زمین لرزه سختی که در سال ۲۰۰۵ در پاکستان رخ داد، کوبا به دلیل کمک های فوری و مؤثر خود مورد ستایش گسترده قرار گرفت. پزشکان کوبائی یگانه پزشکی بودند که جرأت رفتن به مناطق صعب العبور کوهستانی را داشتند. و آخرین کسانی بودند که آن مناطق را ترک کردند. سالهاست که کوبا کمک های گسترده پزشکی به کشور همسایه خود هائیتی می کند. پس از وقوع زمین لرزه فاجعه آمیز سال ۲۰۱۰ چندین بار بر تعداد تیم های پزشکی اعزامی به هائیتی افزود و در پایان تعداد آنها به ۱۲۰۰ نفر رسید.

مجموعه مطالبی که در این نوشته درج شده از مقالات متعددی فراهم آمده که در دانشنامه آزاد ویکی پدیا درج شده است.

سخنی با صبا عادل و هم اندیشان ایشان:

جرائد المان گزارش دادند که المان قهرمان صادرات جهان شده است و بانو مرکل صدر اعظم المان نیز این خبر را تأیید کرد. برخی از دیگر کشورهای اروپائی نیز کارنامه اقتصادی قابل ملاحظه ای دارند. نمونه های موفق دیگر

چین و ژاپن در آسیا هستند. فقط برای یک لحظه تصور کنید که این کشورها با همان شرائطی روبرو گردند که کوبا نزدیک به پنجاه سال است با آن روبروست، یعنی محاصره اقتصادی. یعنی اجازه داد و ستد از این کشورهای پیشرفته با اقتصاد شکوفانشان گرفته شود. فکر می کنید از این ثروت، شکوه و جلال امروزی آنها، چقدر و تا کی باقی خواهد ماند؟ اگر سویدن، ناروی و فنلاند با تحریم اقتصادی روبرو گردند، کارشان به کجا خواهد رسید؟

اگر باران به کوهستان نیارد
به سالی دجله گردد خشک رودی.

خواننده گرامی

چرخ جهان امروز بر مدار داد و ستد و مبادله اقتصادی می گردد. سوسیالیسم فقر افزا نیست، تحریم اقتصادی است که کمر شکن است.

شاید با این قصه سعدی آشنا باشید :

ندانم کجا دیده ام در کتاب

که ابلیس را دید شخصی به خواب

به بالا صنوبر، به دیدن چو حور

چو خورشیدش از چهره می تافت نور

فرا رفت و گفت ای عجب، این توئی؟

فرشته نباشد بدین نیکوئی

تو کاین روی داری به حسن قمر (به زیبایی ماه)

چرا در جهانی به زشتی سمر (مشهور شدن)

چرا نقشبندت (نقاش) در ایوان شاه

دژم روی کردست و زشت و تباه

شنید این سخن بخت برگشته دیو

بزاری بر آورد بانگ و غریو

که ای نیکبخت، این نه شکل منست

ولیکن قلم در کف دشمنست